



8
OF 8
MAY '10

BLACKEST NIGHT



GEOFF
JOHNS

IVAN
REIS

OCLAIR
ALBERT

JOE
PRADO



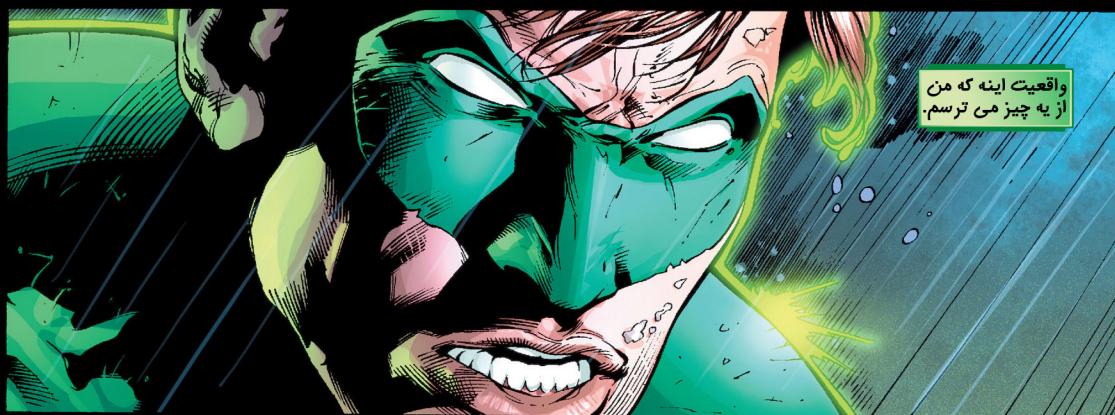
DC
TM

8
OF 8
MAY '10

**GEOFF
JOHNS
IVAN
REIS
OCLAIR
ALBERT
JOE
PRADO**

BLACKEST NIGHT™





واقعیت اینه که من
از یه چیز می ترسم.



من از اینکه
به مردم نزدیک
باشم می ترسم.

چون حق با دست
سپاهه.



بالاخره همه
می میرند.



یه شاعری گفته: دم رو غنیمت بدون،
به آینده تا می تونی بی اعتماد
باش.

خیلی از مردم فقط بخش
اول رو بلدند... شاید بخاطر
اینه که اعتماد نداشتن به
فردا خیلی بدبینانه است.
برای من که اینطور.

مطمئنأ نمی شه به فردا اعتماد
کرد، چیزی ضمانت نشده. ما...

...ولی نمی توانیم
ازش بترسیم.

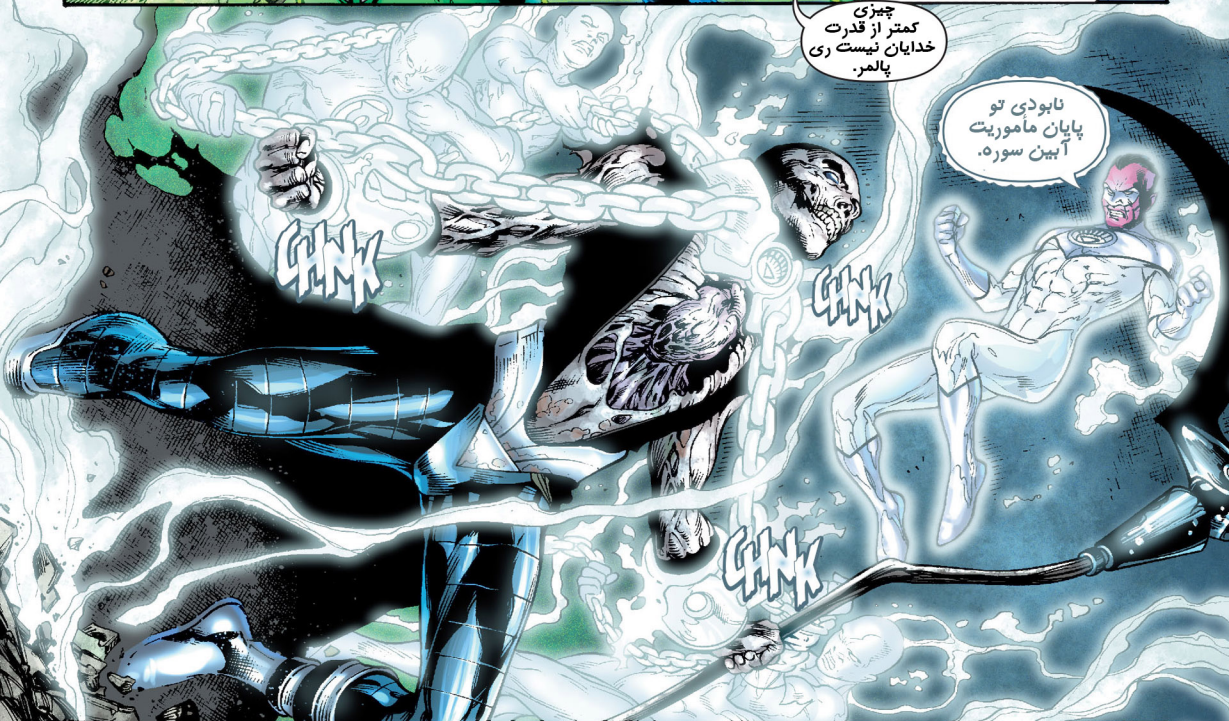
برید عقب.
من با خود نور
زندگی در آمیختم.

من
سینسترو هستم.
منجی جهان!

داس
تو نمی تونه
منو بکشه نکرون!
هیچ چیزی
نمی تونه!

سیاه ترین شب

GEOFF JOHNS WRITER • IVAN REIS PENCILLER • OCLAIR ALBERT & JOE PRADO INKERS
ALEX SINCLAIR COLORIST • NICK J. NAPOLITANO LETTERER • ADAM SCHLAGMAN ASSOC. EDITOR • EDDIE BERGANZA EDITOR
COVER: REIS • ALBERT • SINCLAIR • ALT. COVER: DOUG MAHNKE • CHRISTIAN ALAMY • RANDY MAYOR • SPECIAL THANKS TO TONY AVINA





AAAAAAAAAIIII!!



خوب،
الان.



"خیلی سخت
نبود."

تکرون



قیام

dorname.ir



طوری با من می جنگی
انگار من زنده ام.
اینطور نیست.

من خوت
مرگم.



و تو هم نمی توانی
مرگ رو ریشه کن کنی.
همونطور که قضا
نمیگذشت.



در یکه مخفی شدن
بسه متجاوز.

ARRGH!!



سینسترو داره کنترل موجود رو از دست
می ده. منیش داره اونو تقویت می کنه نه
اراده اش برای بقا.

من
می توانم...

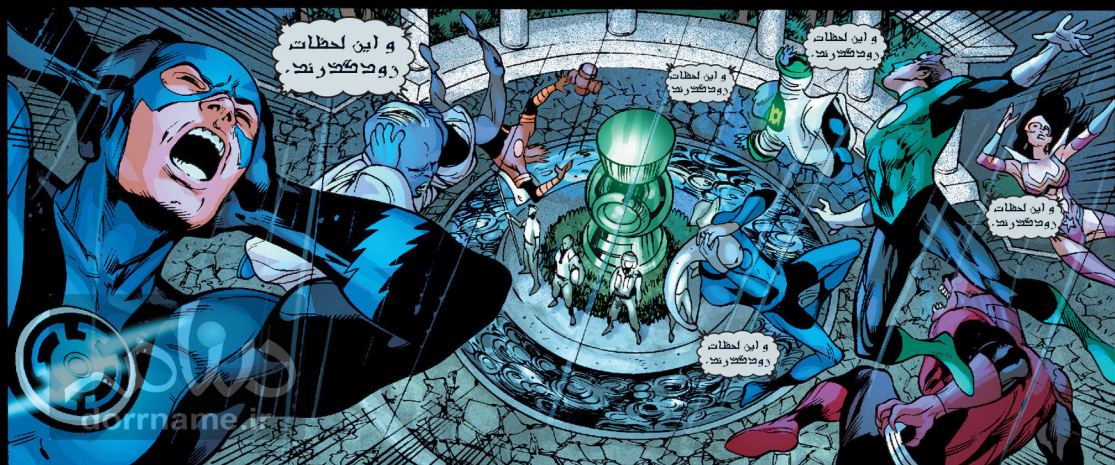
هیچکس نمی تونه
کنترلش کنه.

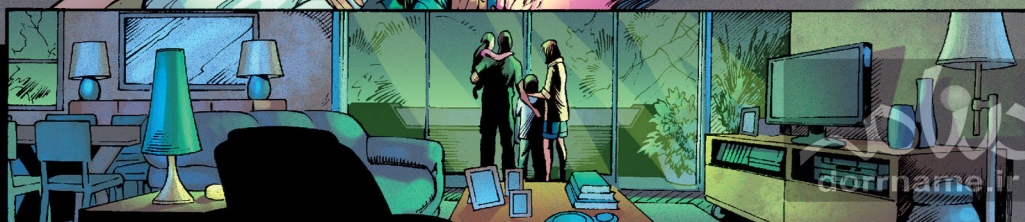
تو رو هم
مثل سینسترو
پس می زنه.

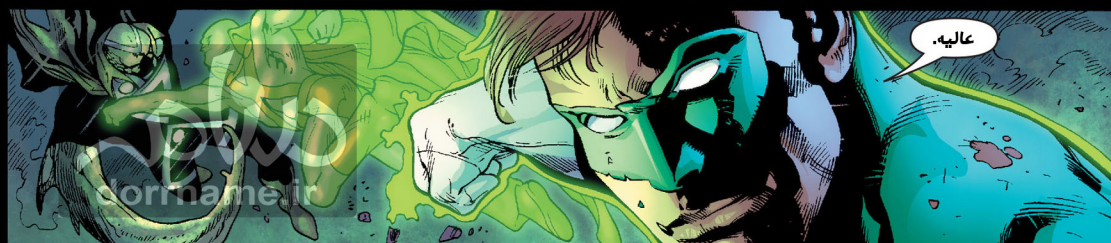
شما به یه چیزی توجه
نمی کنید: نور سفید نگرین رو متوقف
نمی کنه. الان چیکار باید بکنیم؟

حلقه ها!

به نظر می رسه نگرین
تو طبیعت تنها
نیست.









فانوس های سیاه رو فراهموش کنید و به منشأ اصلی حمله کنید. اشعه ها رو روی نكرون متمرکز کنید!

اگه متحد باشیم می توانیم.

همه ما مثل همه اونهایی که حلقه قدرت دارند؟

چون اگه فکر می کنید قدرت و امکان چنین کاری وجود داره. باید اون حلقه سبز رو با حلق آبی عوض کنی...

هاه. نمی توانم حلقه رو بکار بندازم. اه. هیچوقت به جواهرات علاقه نداشتم.

یارو؟

اون فانوس مرد مرده است.

توی این چیزها غوطه ور بودم و فهمیدم که نكرون تاریکی هوشمنده. اون فضای خالی بین اتم ها و سیاره هاست.

نكرون می تونه با ما بازی کنه چون به چوری خودشو به دنیای زنده ها وصل کرده.

مشکل دست سیاه رو حل کنید. در رو به روی نكرون ببندید و تو اتاق خودش حبسش کنید.

دست سیاه.

مشکل دست سیاه؟ قلبش رو دوباره به تپش بندازید.

و چطور قراره این کارو انجام بدیم؟

هی شما ابرقهرمان هستید. من فقط یه روحم با ... کافکا!

چی؟ چی شد...

... به هر حال. برگردیم سر کارمون.

هی، اسکلتا!

بترس از قدرت ما!

نه لئورن ها.

شما از من بترسید.



نه!
سر نوشت
منه!

سر نوشت تو
مرگه سینه سترو.

همینطور سر نوشت
تو هل جور دن. مثل بقیه
اونهایی که از مرگ برگشتند.
این کارو کردیت چون من
اجازه ندادم.

تو میگه
نه.
می خوام
آرامش داشته باشم
باشم.



هنوز می خواهی از بابت
برگشت من به زندگی برای
خودت اعتبار کسب کنی؟



تو شاید در رو
باز کرده باشی، ولی
این من بودم که ازش
رد شدم.



چرا!
زندگی یک
تصادف بود جور دن.
هیچ معنایی نداره.
هیچ هدفی نداره.



زندگی به ما هدف
نمی ده دست
سیاه.



ما به زندگی
هدف می دیم.

ممکنه من ارتباط ضعیفی
با نگرون داشته باشم. ولی
ارتباطم با زندگی قویتره.



نه بحث از اینکه کارم باهات
تمومر نیست هه.

تو هم همینطور
سوپرمن. دومی
تو رو از بین برد. ولی
تو بر گشتی.



هر کسی رو که فکر می کنی
اجازه بازگشت بهشون دادی.
خودشون بر گشتند نگرون.



ما همیشه
زندگی رو انتخاب
می کنیم.



ارتباط از بین
رفت.

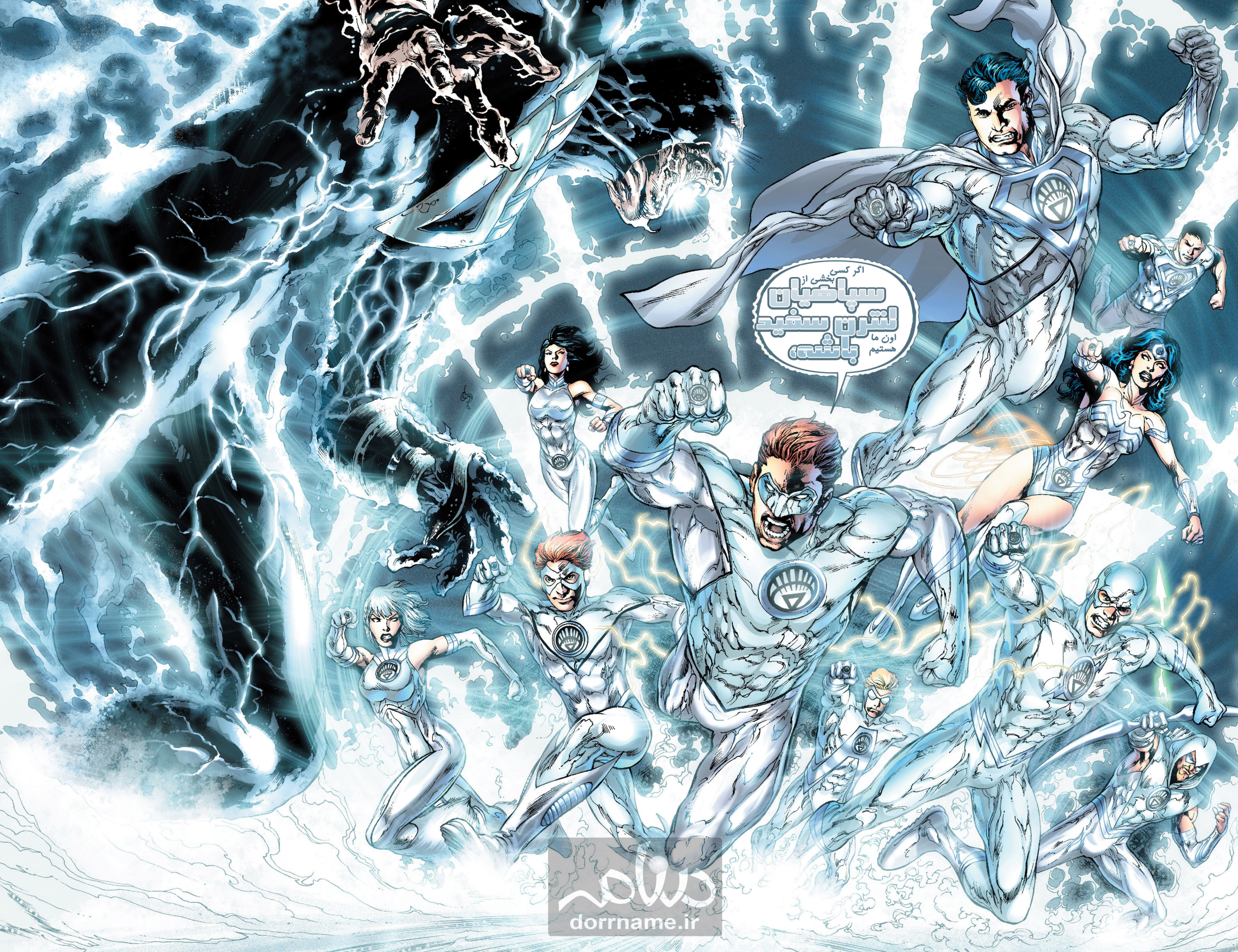


مسیر ارتباط
تغییر کرد.



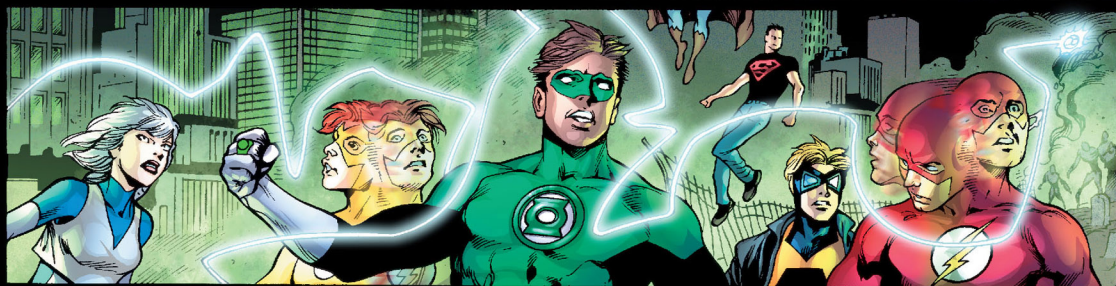
مسیر ارتباط
تغییر کرد.

ما ممکنه به
هم مرتبطیم.

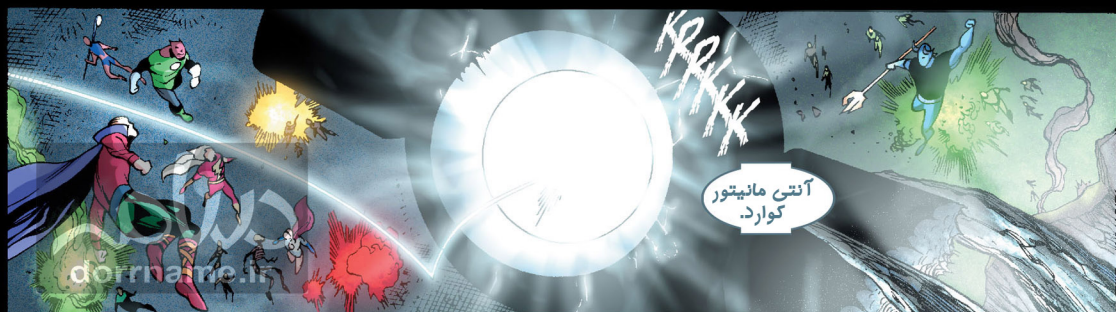


اگر کسی بخشی از
سپاهیان
لترن سفید
اون ما
هستیم
باشه





دارم...
می بینم.



آنتی مانیتور
کوارد.

زنده باش.

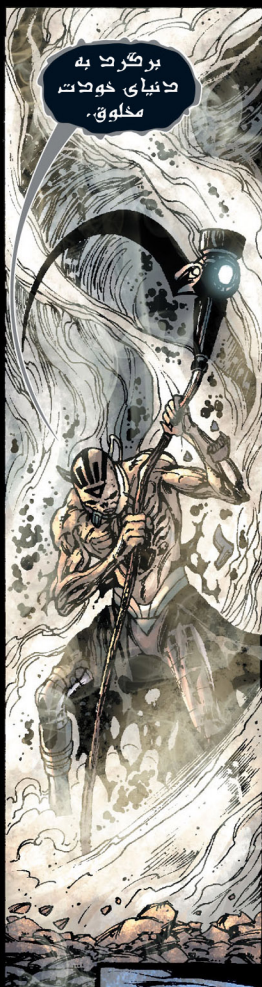




من دیک زندانی و منبع
قدرت تو نیستم نکرون.



پلس
هینچی
نیستتی.



برگرد به
دنای خودت
مخلوق.



این یکی مال
منه.



نکرون.



نه!
شما مهاجمید!
شما دشمن دنیای وجود
هستید...!



ای نور
بتابه.



آمون
توماز از زمین.

چنی لین
هیدن از زمین.

دیگر
هارکنس از
زمین.



مکسول
لرد از زمین.

هنگ
هال از
زمین.

رانی ریمون
از زمین.

ایبارد
تاوون از
زمین.



کندرا
ساندرز از زمین.

کارتر هال
از زمین.

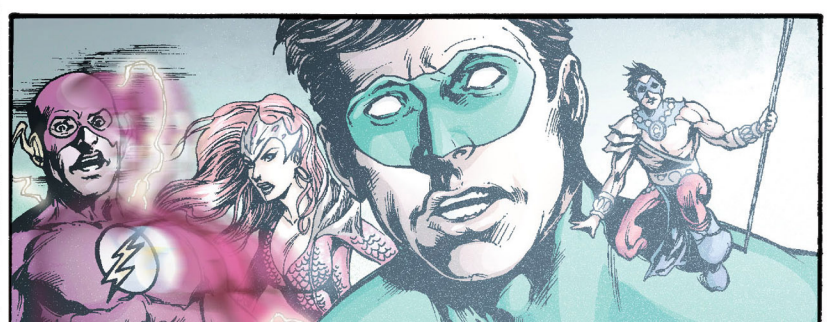
جان
چونز از مریخ.

آرتور
کری از زمین.



واو. چه اتفاقی
داره...

باستون برند
از زمین.



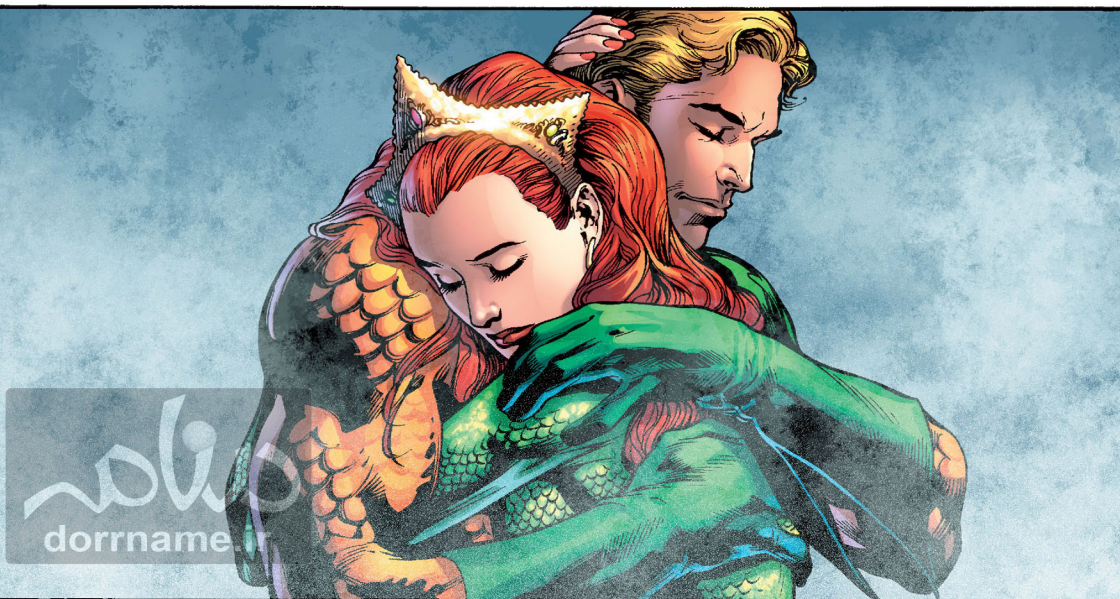
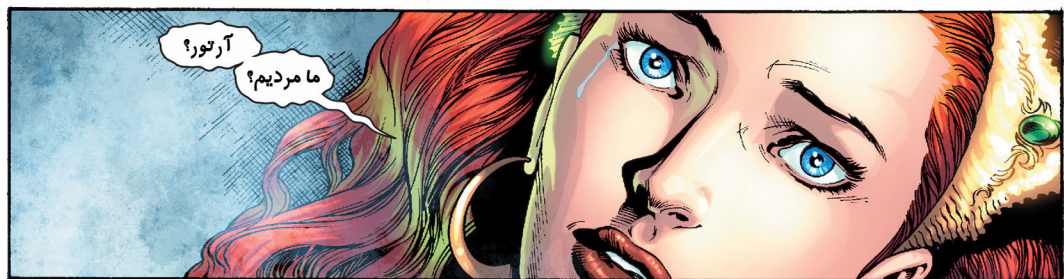
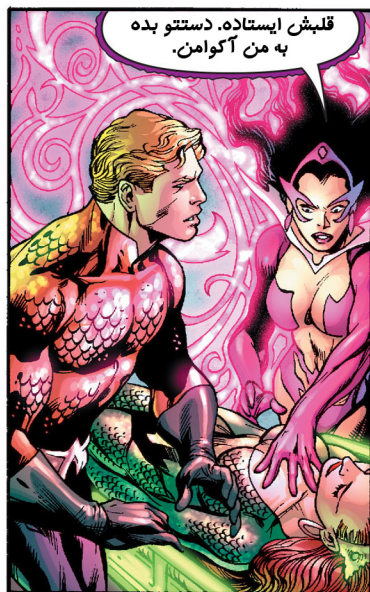
دورنامه
dornname

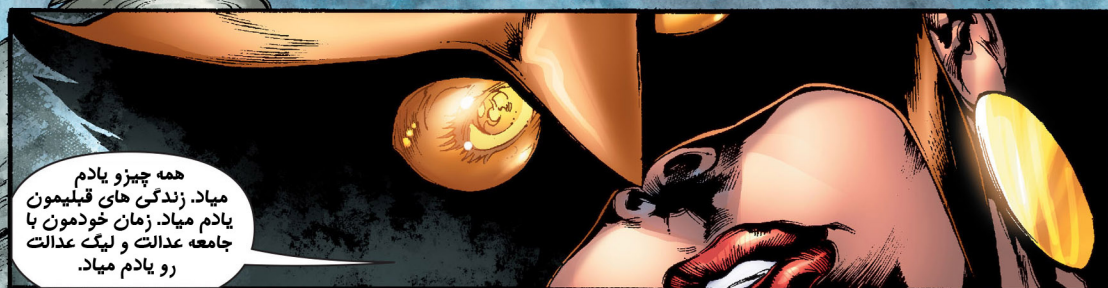


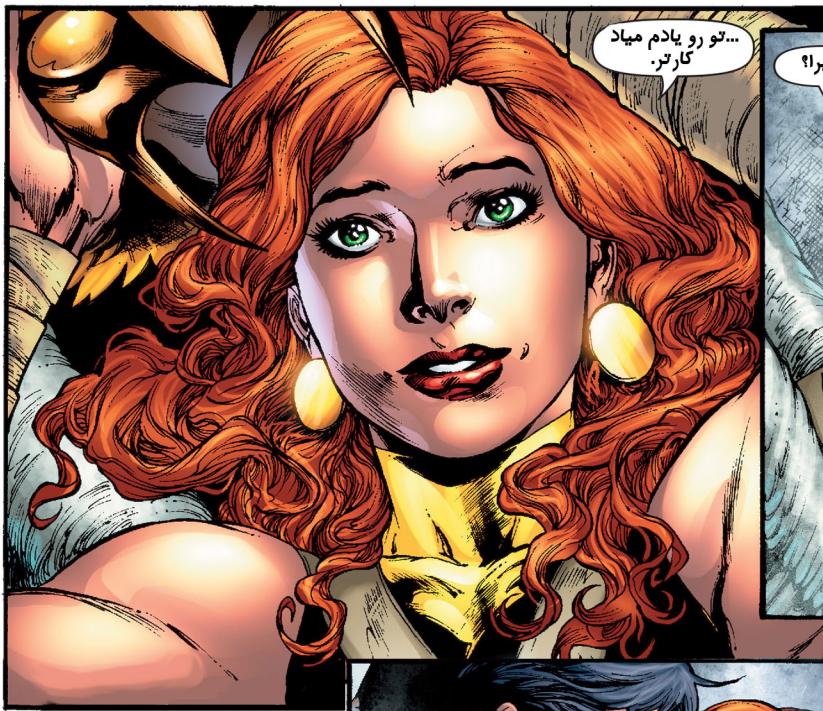
زنده باش

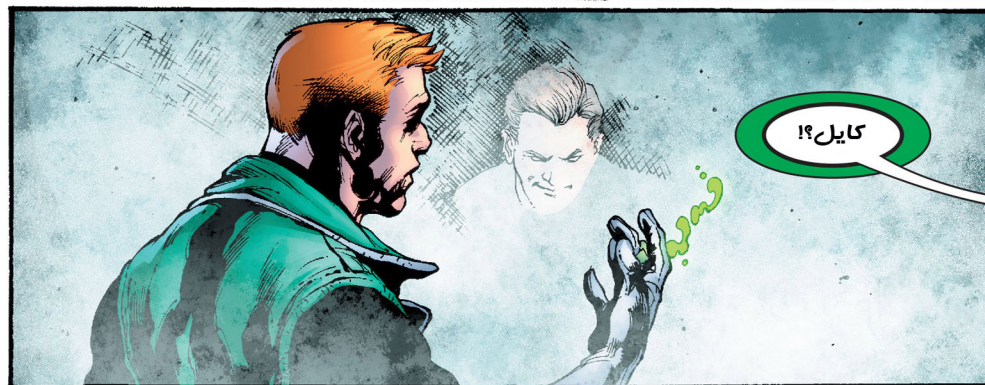


زنده باش

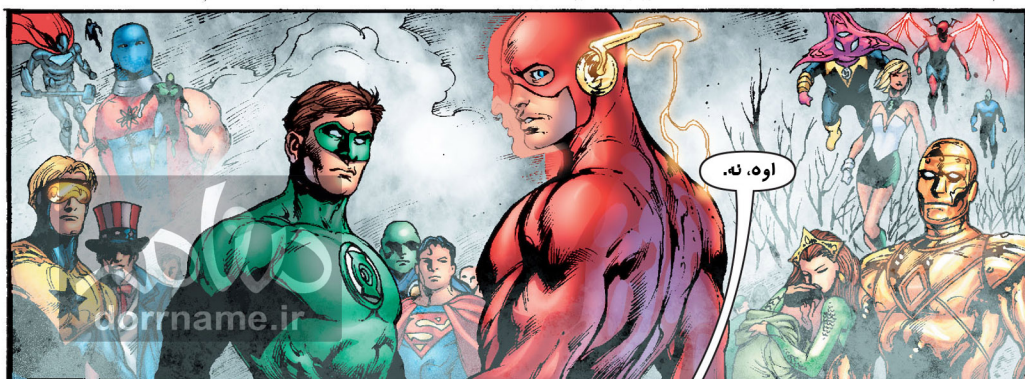
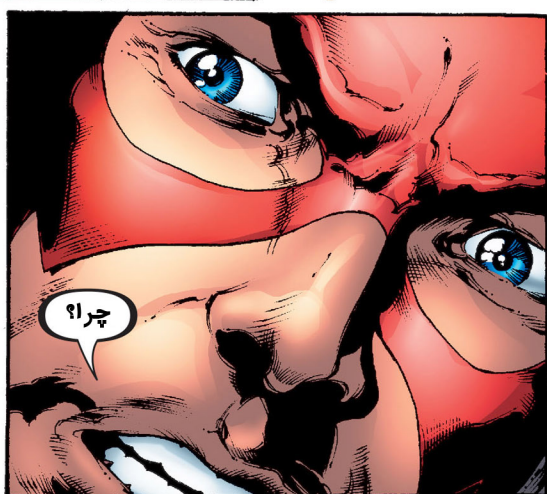
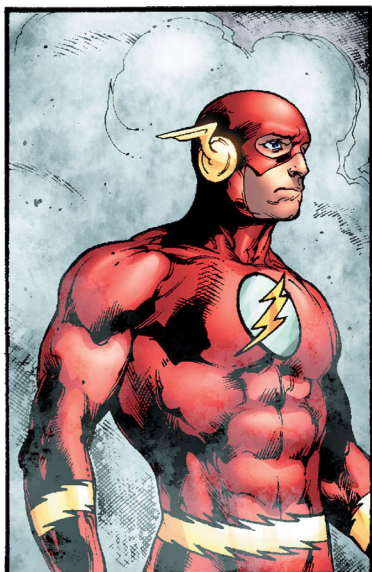












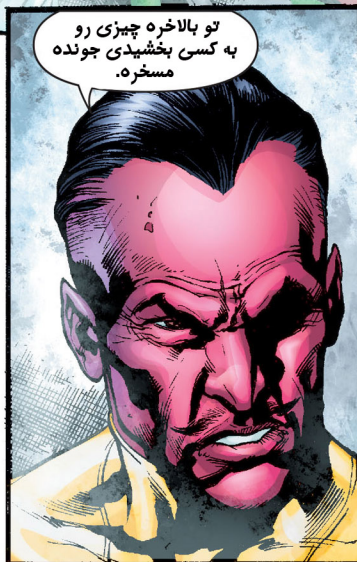




اون از دنیای تو اومده.
این دزد کچل رو بندازید بیرون!

متوجه هستی
چیکار کردی، مگه نه
لارغلیز؟

چی؟
چی اینقدر
خنده داره؟



تو بالاخره چیزی رو
به کسی بخشیدی چونده
مسخره.



هی!

لنی دونم...



...من به نجات
بقیه کمک کردم!
باید چیزی که قول
داده بودید بهم
بیدید!

تو مال
منی آبی!



سایده...

اشکالی
نداره گانتت. شاید
بتونم کمکی بهش
بکنم.

ولی
سپاه...

چیزهای زیادی
درباره آینده سپاه
لنترن هست که می شه
درباره اش حرف زد.

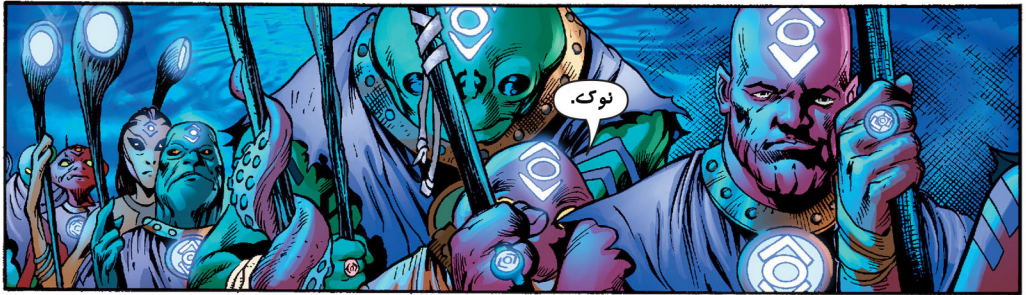
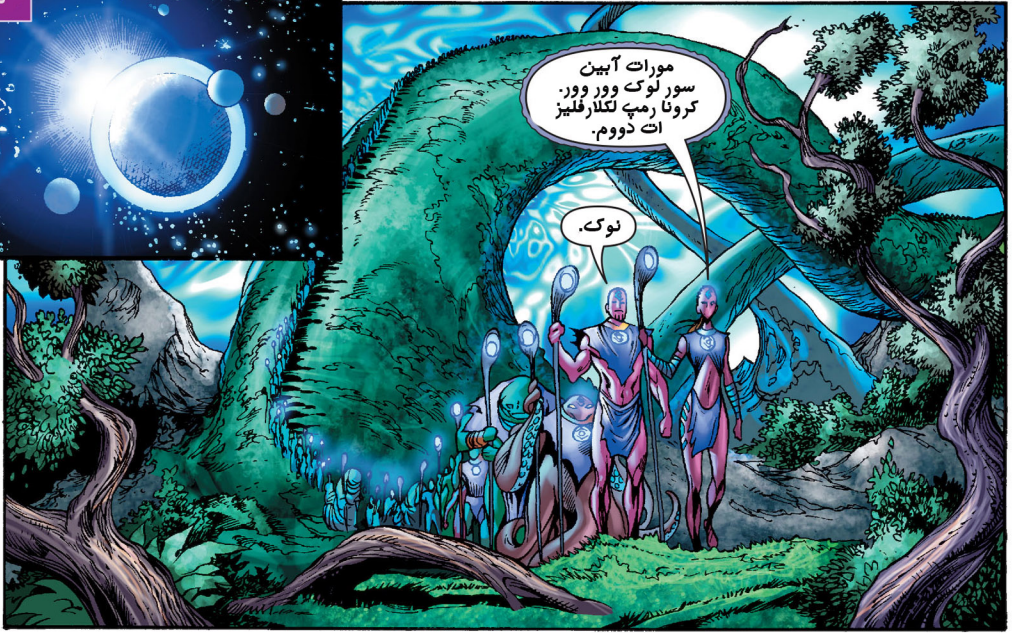
همه
سپاهیان.



آنتی مانیتور بر گشته. ولی
ما باید اول نگران دست سپاه
باشیم. اون کم شده.



ایندیکوا
هم همینطور.
و قبیله اش.



"نمی دونم چرا
زمین، آسمون یا
مردم وجود دارند.
راستش شاید هرگز
ندونم."



ولی به چیز خوب می دونم بری. وقتی
به دست سیاه گفتی این ما هستیم که به زندگی
هدف می دیم، حق با تو بود.

هدف ما از زندگی
متفاوته هل. و وثیف تک تک
ماست اونو متوجه بشیم.

فقط ایکاش
می دونستم چرا نور
سفید آکوامن و بقیه
رو زنده کرد ولی بقیه
رو نه.

کانتت
فکر می کنه همه
این مسائل اهداف بزرگتری
رو دنبال می کنند.

...نمی دونم.



فکر می کنه بدون
وجود نگر و تاثیرش
دوباره زنده شدن ها تموم شدند؟

فکر کنم
مرده مرده
است از اینجا بگیر
تا ...



...خبر از اون.

اون بتمن فانوس سیاهی
ما رو نشناخت. هیچکدوم از ما رو.
اون بروس نبود.

حق با تیم
بریکه. بروس زنده
است.



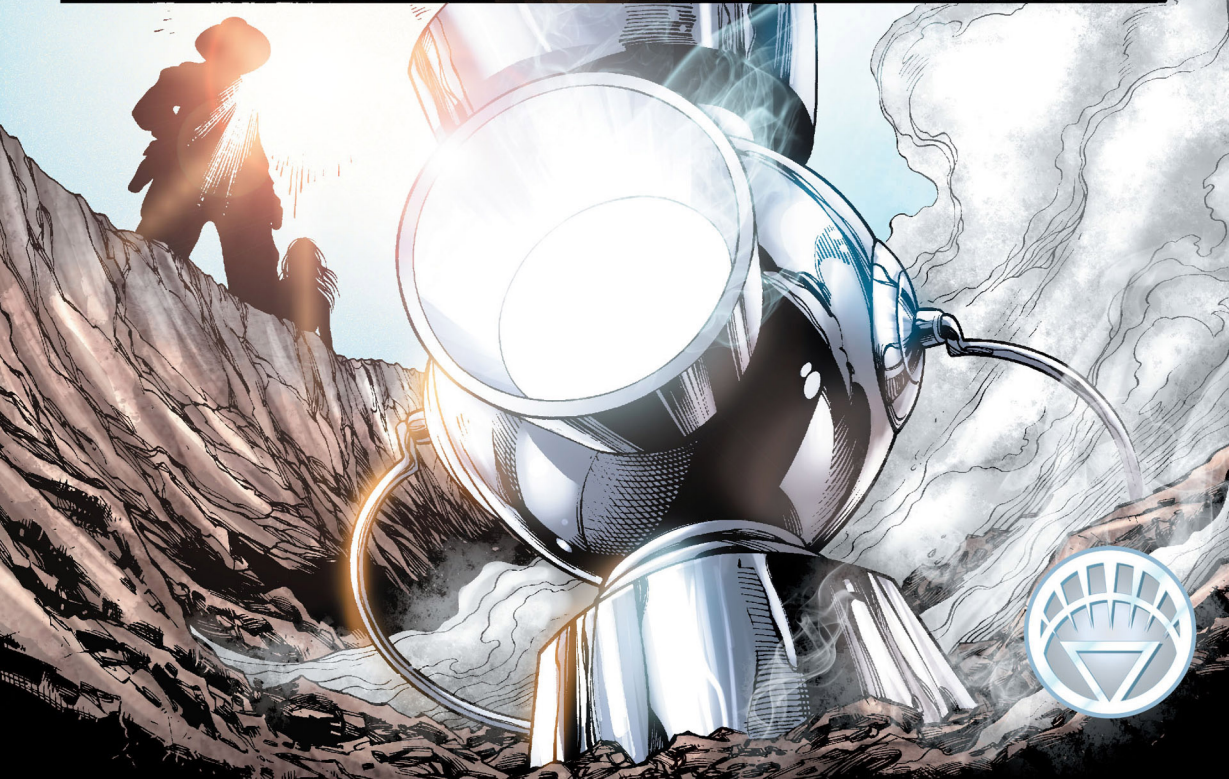
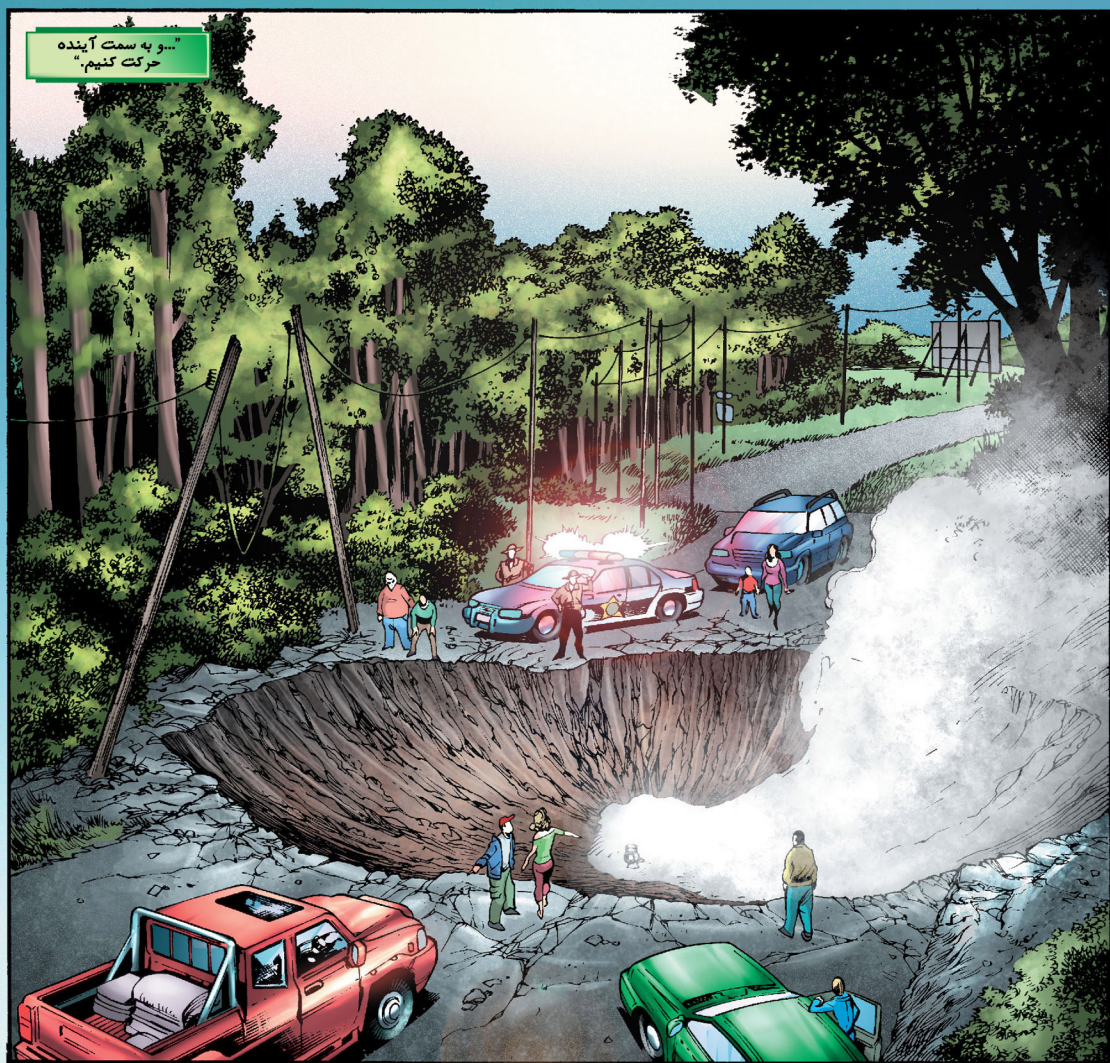
در مورد
موجود چی؟
نور سفید؟

دوباره
من غیب زدم
و تو زمین قاهر
شدم؟ هنوز اخ
دست سیاهم؟



نه. من
می تونم حسش کنم
بری. ما رو وادار می کنه
تا از گذشته و سیاه ترین
شب جدا بشیم...

"سو به سمت آینده
حرکت کنیم."



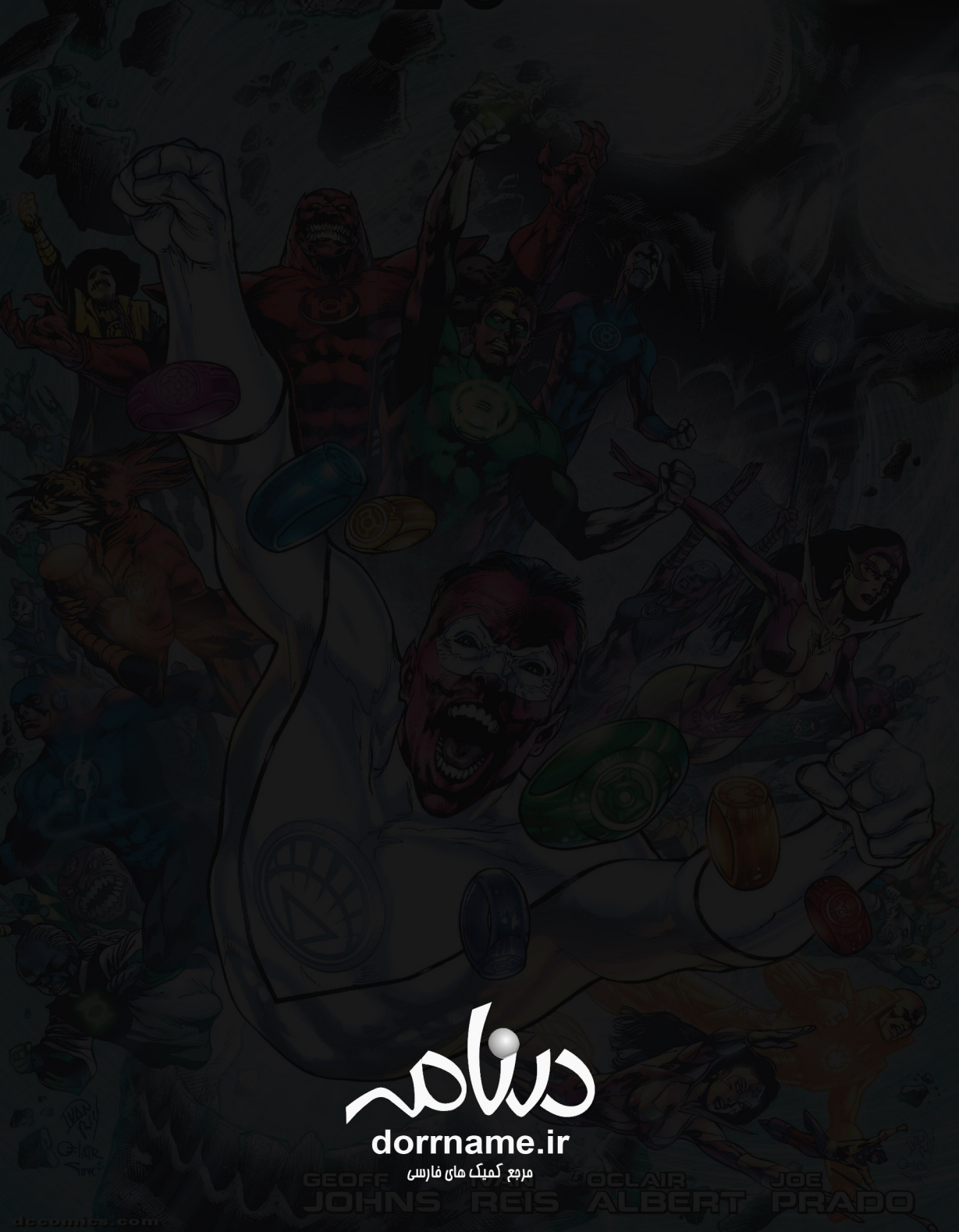
DC

8

OF 8

MAY '10

BLACKEST NIGHT



دورنامه

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی

JOHN JOHNS REIS OCLAIR ALBERT PRADO